

- منصور امان

در حالیکه "اصلاح طلبان" مایل هستند، فرمان خامنه ای در مورد حکم اعدام هاشم آغاچری را بعنوان پیروزی خود ثبت کنند و بر بستر آن چند گره دیگر همچون بازداشت تنی چند از رهبران خود را نیز بکشایند، با این وجود از هیچ امکانی برای اعلام مرزبندی با جنبشی که ولی فقیه را به تجدید نظر در ارزیابیهای خود وادار نمود، فروگذار نمی کنند. آنان همراه با رویش نخستین جوانه های مخالفت متشکل با استبداد حاکم و یک نمود صراحت یافته آن در حکم یاد شده، درصد کنترل و هرس دامنه آن برآمدند. فراخوانهای پرشمار به دانشجویان برای باقی ماندن در کادر رسمی و قابل تحمل، اقدامی در این راستا به شمار می رفت. اکنون و پس از آنکه تدابیر اندرز مابانه و بازدارنده آنان، به روشنی در میان مخالفان استبداد دینی گوش شنوایی نیافت، ترسیم خطوط متمایز کننده واضح تری با جنبش آزادیخواهانه موجود، برای "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی بیش از پیش به یک ضرورت تبدیل شده است. در همین رابطه دبیر کل باند مجاهدین انقلاب اسلامی، ضرورت مزبور را اینگونه توضیح داده است: "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی قبلا نیز به دانشجویان هشدار داده بود که مواظب باشند تا عده ای از حرکت آنها سوء استفاده نکنند و حرکت آنها به مسیری نرود که جو نامنی در جامعه ایجاد کند اما متأسفانه همانگونه که پیش بینی می شد، عده ای از این فضا سوء استفاده کرده و می کنند".

دلایل قابل قبولی می تواند این سیاست به ظاهر خودغرضانه را توضیح دهد. نخست آنکه افق سیاسی پروژه "اصلاحات"، تنها از گستره جمهوری اسلامی و "نظام" کنونی قابل مشاهده است. پایوران "دوم خرداد"ی هرگز پنهان نکرده اند که دگرگونی های مورد نظر خود را در ظرف سیاسی موجود می جویند و امکان پذیر می دانند. ترم ناهمگون "مردمسالاری دینی" یا ایده بدون تعریف مانده "جامعه مدنی"، برآمده از دیدگاهی ست که منافع و آینده خویش را در گرو حفظ قواعد و چارچوبهای اصلی سیستم می بیند و تغییرات را تا نقطه ای برمی تابد که چرخه امور را از گردش بر ریل نظم شکل یافته سیاسی باز ندارد. این امر به گونه ای بی واسطه به هدف نهایی مستتر در هر دگرگونی مورد درخواست "اصلاح طلبان"، یعنی چرخش موازنه قدرت، راه می برد. موضوعی که جناح مغلوب در برابر آن علامت سؤال می گذارد، جوهره نظری قدرت و کاراکتر سیاسی برآمده از آن نیست. چالش اصلی "مدره های" جمهوری اسلامی را تنها چگونگی توزیع آن و سهمی که برای آنان برجای گذاشته، تشکیل می دهد. از این رو آنان پیش از اندیشه به هر راهکاری برای نشستن بر طرف سنگین تر این توازن، به ناگزیر می بایست درجه ی شکنندگی آن را - نه فقط یک بار - محاسبه کنند. قدرت ایدئولوژیک و استبدادی ای که "اصلاح طلبان" برای به تیول درآوردن بخش بزرگی از آن تلاش می کنند، توانایی اندک خود برای سازگاری با جهات عرفی زندگی مدنی و از آن جمله کسب مشروعیت از اراده و رای شهروندان آزاد را بیش از هر جا در قانون اساسی به نمایش گذاشته است. "دوم خرداد" در همان هنگامی که از برخی نمودهای جبری این ناهمگونی در پهنه ی جامعه ابراز ناخرسندی می کند، در همان حال حتی از تصور نزدیک شدن به بنیادهای آن برخوردار می لرزد. آقای خاتمی با توصیف "خیانت" برای چنین قصد محال، به روشنی اکراه خود و جناحش را از ورود به قلمرو آغازین تغییرات ابراز نموده است. مطالبات دانشجویان و نادیده گرفتن مرزهایی که

پدرسالارانه وار برایشان ترسیم شده بود، گام زدن آنها در گستره ای فراتر از زاویه دید نزدیک بینان "میان رو" به شمار می رود و این برای دسته ای که همه ی سرمایه خود را روی اسب جمهوری اسلامی شرط بسته است، نوید بخش از راه رسیدن یک کمک بزرگ نمی تواند باشد.

از سوی دیگر به حاشیه رانده شدن باند "دوم خرداد" در جریان خیزش دانشجویان، بی گمان چشم انداز جایگاه آتی آنان، در هر تحولی که نیروی محرکه آن از درون جامعه سرچشمه گرفته باشد را در برابر دیدگان "چانه زنان" بالایی پدیدار نموده است. جنبش دانشجویان نشان داد که نوع مطالبات، تعیین کننده صف بندیهای سیاسی است و همچنین براین حقیقت مهر تأیید نهاد که ژرفای نیازها و خواسته های بناشده برآن، هیچ معیار دیگری سوای این را مجاز نخواهد شمرد. برای "دوم خرداد" این امر مفهومی کمتر از شتاب گیری روند انزوای اجتماعی آنان و زایل گشتن نقاط تمایزی که آنان میان خود و باند ولایت ترسیم می نمودند، ندارد. جریانی که زمزمه های "خروج از حاکمیت" را آغاز کرده و به "رفراندوم" تهدید می کند، ناگهان موجی که تصور می کرد درحال سواری گرفتن از ان است را از کنترل خارج شده می بیند و با زیربنای خالی استراتژهای تدوین شده خود روبرو می شود. زیرا بدست گرفتن جدی هر یک از این راهکارها، پذیرش میزانی از تنش اجتماعی و ریسک ناشی از آن را بعنوان پیش شرط با خود به همراه دارد. تنها زمانی که میدان خالی یا نقش آفرینان از اوامر صحنه گردانان پیروی کنند، سناریوها قابل اجرا خواهند بود و "دوم خرداد" با هیچیک از این دو حالت روبرو نیست!